

شاهرخ زمانی: در مخالفت با حکم اعدام و دفاع از حق تعیین سرنوشت خلقها اعتصاب غذا می کنم!!!



بار دیگر مطلع گشتم که "کلیدی در قفل شروع به چرخیدن" کرده است تا خون قربانی دیگری، به مثابه گریس چرخ های وحشت و سرکوب را روغن کاری کند.

از آنجاییکه در رژیم های طبقاتی و استثمارگر پدیده های جرم و ناهنجاریهای اجتماعی ریشه در نظم نابرابر و تبعیض آمیز دارند ، هرگونه روند حقوقی ، ماهیتی طبقاتی در سطح ملی و جهانی به خود گرفته و نمی تواند در ریل عدالت طی مسیر کند.

اینکه رژیم های استثمارگر قادر به پاسخگویی به تضادها و بحران های اجتماعی نیستند و منافع طبقاتی شان آنها را به رویکردی "حذفی" در سطوح اجتماع می رانند، حکم "اعدام" در پیشانی دستگاه "قضا" ی آنها حک شده است و اگر پیشروی مبارزات طبقه ی کارگر و اقشار زحمتکش در برخی از این نظام های طبقاتی سرمایه داری آنها را وادار به حذف حکم اعدام از قوانین قضایی شان کرده است ولی باز آنها در خارج از مرزهای خود به بحران های اجتماعی و اقتصادی شان با حربه و ابزار "جنگ" پاسخ می دهند . به هر طریقی "خشونت و سرکوب" و "بینش "حذف" و "النصر بالرعب" برای "عبور از بحران" بخش جدایی ناپذیری از نظم های طبقاتی حاکم در طول تاریخ بشر بوده و هست.

یعنی وقتی استثمارگران تهدیدی برای روابط تولیدی و برقرار ماندن روابط و مناسبات نظم حاکمیت طبقاتی خود احساس کنند و مناسبات نابرابر اجتماعی را در نقطه ی شکستن ، ارزیابی کنند ، با جنگ و یا با اعدام های روزمره جواب می دهند.

رژیم جمهوری اسلامی را هم نباید خارج از این روند دانست ، یعنی او از بدو پیدایش اش با "اعدام" و "جنگ" عجین شده است .

"جنگ" و "اعدام" ، پاسخ هایی از جنس هویت جدایی ناپذیر طبقاتی بهره کشانه به تضادها و بحران های اجتماعی و اقتصادی بر علیه توده های محروم استبه قول لنین کبیر "جنگ ادامه سیاست به نوع دیگر است."

"اعدام" در کلیت اش حاوی "پیام"یست سیاسی به توده ها تا پا را از گلیم خود فراتر نگذارند . حد و حدود خود را نگه دارند . وگرنه عقوبتی سخت بر گرده هایشان ، همیشه حی و حاضر است. یکی یا هزاران تن را اعدام می کنند تا به خیال خود عبرتی شود برای بقیه انسانها، این است رسالت حکم اعدام، پس می توان گفت حکم اعدام نیز ادامه سیاست به نوع بدوی است.

بنابراین ؛ "اعدام" ابزار طبقه ی حاکم برای صیانت از هستی طبقاتی خود است که در نقطه های بحران به "جنگ" هم بالغ می شود.

با این اوصافی که در بالا رفت ، اینبار قرعه به نام بخت برگشته ای افتاده است به اسم ریحانه جباری ؛ تا نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ، از خون او برای "روغن کاری" چرخ های دستگاه حاکمیت سرمایه داری به شکل اسلامیش، استفاده کند.

البته ناگفته نماند که ریحانه ،یکی از خوش شانس ترین محکومان است که حداقل نام اش کل رسانه های دنیا را فرا گرفته است . مثل صدها قربانی که هر روز و هفته و ماه ، بی نام و نشان به جوخه های اعدام سپرده می شوند ، گمنام نیست و کلیت پرونده اش دستگاه قضای نظام را در دنیا رسوا کرده است.

برای اینکه سهم انسانی ام را از انزجار به حکم ضدانسانی اعدام و جنگ و کشتار انسانها ابراز کنم و بگویم که از قتلگاه رجائی شهر در این مدت طولانی که بوده ام ، هنوز نتوانسته اند حساسیت انسانی ام را نسبت به قتل و اعدام از بین ببرند و با همه ی افرادی که مظلومانه و بی نام و نشان توسط جمهوری اسلامی هر هفته در اینجا یا زندانهای دیگر و یا به شکل پنهان به قتل می رسند و یا توسط دیگر دولت های سرمایه داری به شکل های مختلف از جمله کشتار مردم کوبانی توسط نوع مدرن جمهوری اسلامی و یا کشتار مردم شرق اکراین توسط فاشیست های دست پروده سرمایه داری جهانی و بر خورد دو گانه دولت های جنایت کاری مانند آمریکا ، ترکیه ، عربستان ، آلمان و روسیه و... که از یک طرف با تبلیغات دروغین حمایت از کوبانی یا شرق اکراین گوشها را کر می کنند و از طرف دیگر همه گونه کمک به فرزندان پنهانی خودشان یعنی داعش و رایب سکتور می کنند تا حکومت شورایی توده های کوبانی و شرق اکراین را سرنگون

کنند و از طرف دیگر دست رو دست گذاشته و حتی از دخالت نیرو های حامی کوبانی جلو گیری به عمل می آورند بار ها خود را در مرض اعدام و قتل در جنگ احساس کردم، رژیم جمهوری اسلامی ریحانه ها و دهها هزار نفر رابه بهانه های مختلف ولی در واقع برای حفظ حاکمیت سرمایه دارانه خود اعدام یا قتل عام کرده است و هم ردیفانش هزاران نفر را برای حفظ حاکمیت و نجات سرمایه داری از بحرانهای گوناگون در جنگ ها و بمبارانهای کشور های مختلف و اکنون به وسیله نیروهای ایجاد کرده و پرورش داده خودشان در شکل ارتجاعی در خاورمیانه به نام داعش به جان توده های آزادی خواه انداخته ویا در قفقاز نیروهای جنایت کارش را به شکل فاشیسم نئو نازی به جان توده های آزادی خواه شرق اکراین انداخته است تا حکومت خلقی توده های کوبانی و شرق اکراین را در نطفه خفه کنند که مبدا دیگر خلقهای جهان برای تعیین سرنوشت خود از انها الگو برداری کنند همان گونه که دولت های خاورمیانه نسبت به سرنوشت کوبانی بر خورد چندگانه دارند در مورد سرنوشت توده های مبارز شرق اکراین نیز همان برخورد دوگانه را حتی روسیه نیز چنین بر خورد دوگانه ی پیش گرفته است چرا که هم مردم کوبانی حکومت شورایی خلقی تشکیل داده اند و هم مردم شرق اکراین حکومت جمهوری خلقی اعلام کرده و با به احتزاز در آوردن پرچم سرخ حکومت شورای خلقی ایجاد کرده اند و هر دو می خواهند ازادانه برای خود تعیین سرنوشت کنند و این برای سرمایه داری جهانی و سرمایه داری های ملی بسیار خطر ناک است هر چند که خلق کوبانی و شرق اکراین حکومت کارگری اعلام نکرده و تشکیل نداند ولی سرمایه داری حتی در حد کنونی آنها نیز حاضر نیست اجازه حق تعیین سرنوشت به توده های ازادبخواه بدهد، چون می داند اندک روزنه آزادی مساوی با حرکت توده ها به سمت انقلاب است، هیچ کدام از مدیا های سرمایه داری حاضر نیستند واقعیت های جاری در کوبانی و شرق اکراین را به مردم نشان بدهند این است واقعیت دروغین تبلیغات دمکراسی و ازادبخواهی تمامی اشکال مختلف نظام های سرمایه داری تا ضمن حمایت و حفظ حاکمیت جنایت کارانه سرمایه داری راه حلی برای نجات سرمایه داری از بحرانها باشند ؛ دفاع از ریحانه در واقع دفاع از فرد فرد انسانها برای آزاد زیستن است و دفاع از توده های ازادبخواه کوبانی و شرق اکراین دفاع از انسانیت ، و حق تعیین سرنوشت برای تمامی خلق هاست.

می خواهم بگویم دفاع از فردیت و اجتماع مکمل یک دیگر است و آزادی خواهی در دفاع از یکی بدون دیگری نمی تواند معنا و مفهوم داشته باشد فردیت یک انسان زمانی می تواند معنای ازادبخواهانه به خود بگیرد که هر اجتماع انسانی و هر خلقی حق تعیین سرنوشت خود را داشته باشد هیچ کدام به تنهای ممکن نمی شوند این است معنای

واقعی شعار " **یکی برای همه و همه برای یکی**" به این دلیل است که در اشکال مختلف نظام های سرمایه داری کشتار و قتل عام دسته جمعی انسانها به وسیله انواع مختلف جنگ ادامه سیاست قتل و اعدام فرد به فرد انسانهاست در جنگ نیابتی در شرق اکراین توده های مردم توسط رایت سکتور به نمایندگی سرمایه داری جهانی به سرکردگی امریکا و اتحادیه اروپا قتل عام شده در گور های دسته جمعی پنهان می شوند و در کوبانی و دیگر نقاط عراق و سوریه و غزه توسط داعش و دیگر گروههای تروریستی و دولت های تروریستی به نمایندگی سرمایه داری جهانی باز هم با سرکردگی امریکا و اتحادیه اروپا قتل عام می شوند یا سر بریده می شوند همه این انسانها چه به صورت اعدام ریحانه ها یا قتل کرمی خیر ابادیها و افشین اسانلو ها و یا کشتار خلق کوبانی و یا کشتار خلقهای شرق اکراین به دست نمایندگان سرمایه داری برای مقابله با خیزش های ازادیخواهانه و در نهایت برای مقابله با نیروی رهای بخش طبقه کارگر صورت می گیرد بنا براین تنها نیروی که می تواند هم از اعدام فرد به فرد انسانها یا قتل عام توده های و خلقها جلو گیری کند و هم از جنگهای تجاوزکارانه جلو گیری کرده حق تعیین سرنوشت را برای خلق ها ممکن کند طبقه کارگر و همپیمانانش و البته به رهبری طبقه کارگر است. اعدام ها و جنگ ها حاصل بحران ها در مقابل حفظ حاکمیت طبقاتی سرمایه داری است و بحرانها در نظام های سرمایه داری حاصل نا توانی مناسبات سردمایه داری در پاسخگویی به رشد و بالندگی نیروی مولد و نبرد طبقاتی میان دو طبقه اصلی جامعه است در نتیجه هر گونه حرکت حکومت های سرمایه داری، برای مقابله و مهار طبقه کارگر صورت می گیرد ولی با درجات مختلف در پوشش های گمراه کننده فرا طبقاتی و جانبی دیده می شوند. با تکیه به این دلیل حل تمامی این تضاد ها در نبرد طبقاتی و با پیروزی طبقه کارگر ممکن خواهد شد.

در نتیجه اعلام می دارم دفاع از ریحانه ها و دفاع از خلق های ازادیخواه کوبانی و شرق اکراین در هم تنیده است من با چنین دیدگاهی ضمن اینکه از کارگران ، فعالین جنبش های اجتماعی و ازادی خواه می خواهم به دفاع از خلقهای ازادیخواه کوبانی و شرق اکراین و همین طور در دفاع از ریحانه و مخالفت با حکم اعدام به صورت معنوی و عملی اقدام کنند من در اعتراض به جنایات سرمایه داری در کوبانی و شرق اکراین و اعتراض به حکم منزجر کننده ی علیه ریحانه جباری ، روزهای 26 و 27 مهر دست به اعتصاب غذا خواهم زد تا به افکار عمومی جهان اعلام کنم که من هم به نوبه ی خود ضمن اینکه قربانی احکام غیر انسانی دستگاه قضای نظام سرمایه داری بوده و هستم، در همین حال وظیفه خود می دانم از آزادی انسانها و حق تعیین سرنوشت خلق دفاع کنم، باشد

روزی برسد که تحت رهبری طبقه کارگر همبستگی توده های مردم ممکن شده و انسانها از اعدام و جنگ و کشتار نجات یابند.

بامید چنان روزی :

یکی برای همه و همه برای یکی

شاهرخ زمانی از زندان گوهر دشت

1393/7/25